باسمه تعالی

هیچ ورودی فهرست مطالب یافت نشد.

موضوع: قاعده لا ضرر /جهات بحث /مدرک قاعده

خلاصه مباحث گذشته: همان طور که گذشت مرحوم آخوند دو شرط دیگر را از سوی مرحوم فاضل تونی بیان نمود در حالی که به نظر خود مرحوم آخوند این دو شرط تمام نیست و اصل برائت به آن ها مبتنی نیست.

## بررسی شرایط مرحوم فاضل تونی

امر اولی که مرحوم تونی آن را معتبر می دانست این بود که از جریان برائت کلفتی بر مکلف بار نشود، و بیان ایشان نیز ناظر به اصل مثبت است و از همین رو مرحوم آخوند اشکال نموده است به این که اگر موضوع حکم الزامی شارع برائت باشد چه اشکالی در جریان این اصل هست؟ به عنوان مثال اگر مکلف نذر کرده باشد که در صورت عدم تنجز حرمت تدخین مقدار مالی را صدقه می دهد، عدم تنجز بر اساس اصل برائت مثبت تکلیف دیگر یعنی صدقه دادن است بدون این که اشکالی لازم بیاید.

مفاد اصل برائت نفی تنجز است نه نفی حرمت در واقع، بنابراین اگر موضوع حکم مترتب بر برائت عدم حکم است مشکلی در جریان برائت نیست.

امر دومی هم که از دید مرحوم فاضل تونی شرط برائت دانسته شد، عدم ضرر به دیگری از جریان برائت است، که این هم تمام نیست چرا که لا ضرر خصوصیتی ندارد بلکه هر جا دلیل اجتهادی وجود داشته باشد نوبت به اصل برائت نمی رسد.

### توجیه مرحوم روحانی: امتنانی بودن دلیل برائت

به نظر ایشان می توان به گونه کلام مرحوم تونی را توجیه نمود که اشکال مرحوم آخوند به آن وارد نباشد به این بیان که، حدیث رفع و برائت مفادی امتنانی دارد و معنای این امتنان این است که از جریان آن وضع و جعلی اثبات نشود، یعنی اثبات و جعل تکلیف خارج از مفاد حدیث رفع و دلیل برائت است، و از طرفی هم هر جا از جریان برائت دیگری متضرر شود این دلیل مجرا ندارد چرا که لازمه جریان آن در این فرض خلاف امتنان بر دیگری است.

#### حق، عدم امتنانی بودن دلیل برائت

در ادامه مرحوم روحانی به بررسی امتنانی بودن مفاد حدیث رفع پرداخته است و این امتنان را نپذیرفته و نهایتا امتنانی بودن آن را حکمت می داند نه علت تا این که حتما حکم دائر مدار آن باشد.

# قاعده لا ضرر و لا ضرار

مرحوم آخوند در ادامه بحث به بررسی و بحث از قاعده لاضرر پرداخته است که ولو بحثی فقهی است اما متضمن مباحث دقیق اصولی است که شایسته است مطرح شود.

بحث در قاعده لاضرر جهاتی دارد که برخی از این جهات در کلام مرحوم آخوند آمده است.

جهت اول: مدرک قاعده

جهت دوم: مفاد قاعده

جهت سوم: نسبت قاعده با سایر احکام

جهت چهارم: کیفیت جمع بین لاضرر با سایر احکام در تعارض

## جهت اول: مدرک قاعده لا ضرر

در ابتدا مرحوم آخوند به نقل اجمالی متون قاعده می پردازد ولی یکی از آن ها را به نحو مفصل نقل و بررسی می کند.

#### ماجرای در خت سمره بن جندب

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ سَمُرَةَ بْنَ جُنْدَبٍ كَانَ لَهُ عَذْقٌ فِي حَائِطٍ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَ كَانَ مَنْزِلُ الْأَنْصَارِيِّ بِبَابِ الْبُسْتَانِ وَ كَانَ يَمُرُّ بِهِ إِلَى نَخْلَتِهِ وَ لَا يَسْتَأْذِنُ فَكَلَّمَهُ الْأَنْصَارِيُّ أَنْ يَسْتَأْذِنَ إِذَا جَاءَ فَأَبَى سَمُرَةُ فَلَمَّا تَأَبَّى جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَشَكَا إِلَيْهِ وَ خَبَّرَهُ الْخَبَرَ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ خَبَّرَهُ بِقَوْلِ الْأَنْصَارِيِّ وَ مَا شَكَا وَ قَالَ إِنْ أَرَدْتَ الدُّخُولَ فَاسْتَأْذِنْ فَأَبَى فَلَمَّا أَبَى سَاوَمَهُ حَتَّى بَلَغَ بِهِ مِنَ الثَّمَنِ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَبَى أَنْ يَبِيعَ فَقَالَ لَكَ بِهَا عَذْقٌ يُمَدُّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلْأَنْصَارِيِّ‌ اذْهَبْ فَاقْلَعْهَا وَ ارْمِ بِهَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ.»***[[1]](#footnote-1)***

ماجرا مربوط به درختی است که سمره برای رسیدن به آن از باغ یک انصاری عبور می کرد که بدون توجه به درخواست آن انصاری برای استجازه از اهل آن باغ، به درخت خود سرکشی می کرد و آن انصاری به رسول الله صلی الله علیه و آله شکایت برد که حضرت به سمره پیشنهادات مختلفی کرد که او با بی ادبی هیچ یک از آن ها را نپذیرفت لذا حضرت به آن انصاری امر به قلع و کندن درخت مذکور نمودند.

ادعای مرحوم آخوند در مورد این روایت تواتر اجمالی است، به این معنا که قطع به صدور برخی از این نقل ها وجود دارد در قبال تواتر لفظی و معنوی، البته تواتر اجمالی در جایی مفید است که جمیع نقل ها مدلول التزامی واحدی داشته باشند مثل قضایای مختلفی که در آن ها شجاعت امیر المومنین علیه السلام مدلول التزامی است.

1. . الكافي (ط - الإسلامية)، ج‌5، ص: 292‌ [↑](#footnote-ref-1)